

شقاقی اندیشه جهادی اسلام را به مرحله عمل رساند...

گفتگوی شاهد یاران با پروفسور عبدالستار قاسم
استاد دانشگاه بیرزیت نابلس

در جهان عرب کمتر کسی است که پرفسور عبدالستار قاسم را به واسطه سخنرانی‌ها و تقریرهایش نشناسد. اگر چه وی توفیق فعالیت‌های تشکیلاتی را نداشته است ولی با قلم رسا و بیان شیوای خود در جهت روشنگری افکار عمومی جهان عرب تلاش نموده است. در اینجا با وی به گفتگو پرداخته و با دیدگاه‌ها و نقطه نظرش درباره شهید فتحی شقاقی و نقش ایشان در جنبش جهاد اسلامی فلسطین بیش از پیش آشنا می‌شویم.



دکتر قاسم

عین تمسک به اصول اسلامی مبارزه و جهاد فی سبیل الله را برای آزادسازی وطن، نصب العین خود قرار دهد و به عین می‌دید که جنبش اسلامی بدون تمسک به روش مبارزه و جهاد نمی‌تواند در فلسطین راه به جایی برد. همان رکن اساسی که بایستی هر جنبش اسلامی برای احیا و بقای خود در عرصه وطن و جهان عرب و جهان اسلام، بر پایه آن استوار باشد.

آیا ما می‌توانیم بگوئیم که دکتر فتحی شقاقی اصلاح‌گر روش مبارزه و مقاومت در فلسطین می‌باشد؟
من فکر نمی‌کنم آن را اصلاح کرده باشد بلکه آن راه وجود آورد و پایه‌گذاری کرد زیرا پیش از تأسیس جنبش جهاد، حرکت اسلامی در صحنه بود که صرفاً بر انتقاد از جنبش‌های ملی و رژیم‌های عربی اکتفا می‌کرد. جنبش جهاد شروع به پایه‌ریزی جهاد اسلامی در فلسطین کرد و در این راستا به تعدادی عملیات هجومی بر ضد برخی مواضع اسرائیلی در قدس زد که در این سری عملیات و عملیات «شجاعیه» در غزه تعدادی از مهاجرین یهودی کشته شدند و همین باعث شد تا راه برای جهاد باز شود حتی پیش از انتفاضه ۱۹۸۷ قتل‌ها در نوار غزه دو طرف بود مثلاً امروز در غزه یک فلسطینی کشته می‌شد، فردا یک اسرائیلی کشته می‌شد و این اوضاع همین‌طور ادامه داشت و روز به روز وخیم‌تر شد تا در نهایت منجر به انتفاضه سال ۱۹۸۷ گردید.

این بدان معنا نیست که جهاد اسلامی انتفاضه را آغاز کرد بلکه عملیات جهادی آنان به صورت چشمگیری در شعله‌ور شدن انتفاضه ۸۷ سهیم بود و همین مسأله باعث تشویق جنبش اخوان المسلمین گشت تا آنان نیز دست به تشکیل جنبش حماس زدند و بدینگونه مقاومت در فلسطین شکل گرفت. زیرا همان‌طور که می‌دانیم جنبش حماس در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷ یعنی تنها چند روز پس از شروع انتفاضه شکل گرفت.

از دیدگاه شما بعنوان استاد دانشگاه در رشته علوم

اسلام پایبند بود و جنبش اخوان المسلمین آن زمان در این عرصه فعالیت می‌کرد. اما او از وضعیت مبارزه در فلسطین به هیچ وجه خشود نبود به ویژه این ناخشنودی نسبت به اخوان المسلمین بود. زیرا جنبش اخوان بیشتر یک جنبش سازشکار بود که بر ضد رژیم‌های عربی بود و ایشان همواره این سؤال برایش مطرح بود که چرا ما نباید یک جنبش جهادی و مبارز فلسطینی داشته باشیم؟ چرا اخوان المسلمین جهاد نمی‌کند؟

اما برای پرسش‌های خود پاسخ قانع‌کننده‌ای از اخوان المسلمین چه در مصر یا فلسطین دریافت نمی‌کرد و در این راستا بارها با رهبران التجمع الاسلامی که از مؤسسين جنبش اخوان المسلمین بودند در کراغه باختری و نوار غزه به ویژه شیخ احمد یاسین ملاقات کرده و با آنان پیرامون خواسته‌هایش که همانا جهاد و عملیات جهادی بود بحث و گفتگو کرد.

اما از آنجایی که پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دریافت نکرد، زیرا حرکت اخوان المسلمین بیشتر حرکتی است که داعیه اصلاح افراد را دارد و جهاد و مبارزه را حداقل در آن زمان صحیح نمی‌دانست از این رو به فکر ایجاد روشی بود که در

استاد عبدالستار قاسم از این که در گرامیداشت دوازدهمین سالگرد شهادت دکتر فتحی شقاقی شرکت نموده اید به شما خوش آمد می‌گویم. لطفاً برای ما از میزان آشنائی‌تان با این شهید مطالبی بیان فرمایید.

در واقع من از نزدیک هیچ‌گونه آشنایی ندارم زیرا با ایشان ملاقاتی نداشته‌ام. در آن زمان من در خارج مشغول تحصیل بودم و ایشان در مصر بوده و ضمناً ایشان از باریکه غزه و من از اهالی کراغه باختری و رابطه مستقیم میان این دو قسمت بسیار کم و ضعیف است. من ایشان را و او مرا از خلال مقاله‌ها و کتاب‌ها و مواضع سیاسی و اظهار نظرها می‌شناختم، علی‌رغم این‌که هیچ رابطه مستقیمی نداشتم.

برای اولین بار در چه زمان خبر تشکیل جنبش جهاد اسلامی توسط دکتر فتحی شقاقی به گوش شما رسید؟ آیا در این مورد چیزی به یاد دارید؟

برادر عزیز راستش شروع این موضوع در زندان‌ها بود. اولاً این مسأله دارای ریشه‌هایی است پیش از زندان‌ها و زندانی شدن‌ها. اما من شخصاً درباره فعالیت‌های جوانان مقاومت در مصر و طرز تفکر آنان در زمینه مبارزات فلسطینی از جنبه اسلامی و تلاش برای عملی ساختن آن، چیزی نشنیده بودم و البته پیش از هر اقدام عملی لازم است. زمینه فکری مبارزه و جهاد وجود داشته باشد که در مصر این مسائل باب روز شده بود و آنچه من شنیدم همانا تحرک این جوانان در زندان‌های اسرائیل بود. آنان در زندان‌ها به بررسی وضعیت امنیتی و نظامی خود پس از آزادی از زندان پرداخته و دارای انگیزه بسیار بالا و مشتاق آن بودند که جنبش جهادی پایه‌گذاری کنند که با نام اسلامی عمل نماید و تا آن زمان تنها جنبش‌های موجود، جنبش‌های ملی بود و از جنبش‌های اسلامی هیچ خبری نبود.

شما چه خاطراتی از جوانان آن روز به ویژه دکتر فتحی شقاقی در ذهن دارید؟

در مورد فتحی شقاقی او در این راه گام می‌زد و نسبت به



جنبش جهاد بایستی این تر را به کار برد زیرا اکثر فعالیت هایش علنی است و اعضایش اکثراً شناخته شده و کشف شده اند و این باعث تضعیف عملکرد آن می گردد و بایستی سری عمل کرده و بیشتر کیفیت را در نظر بگیرد و نه کمیت افراد. همچنین نباید همانند گروه های فلسطینی دیگر سعی در جذب بی رویه نیرو نماید زیرا این مسأله بر عمل جهادی آن تاثیر منفی می گذارد.

همان گونه که ملاحظه می نمایید بسیاری از نیروهای فلسطینی از گروه های مختلف، اهداف سهل الوصولی برای اسرائیل می باشند، زیرا دشمن اطلاعات کافی از افراد و فعالیت های مختلف آنان دارد در نتیجه باعث تضعیف اندیشه جهادی می شود. اگر جنبش جهاد به این اصل باز گردد و امورات و مسائل خود را ترتیب و تنظیم نماید و عمل سری را در پیش گیرد، مسلماً مؤثرتر خواهد بود. استاد، آیا در سالگرد شهادت دکتر فتحی شقافی سخنی دارید اضافه نمایید؟

به عنوان آخرین سخن می گویم که دکتر شقافی با ارزش ترین چیزهای زندگی اش را نذر نمود. او زندگی خود را به خاطر مسأله فلسطین و آزادی مقدسات با جهاد در راه خدا، تقدیم کرد. زیرا هیچ چیز در دنیا باقی نمی ماند و آن کس که با جهاد به دنبال اهداف دنیوی برود، نمی تواند هیچ دستاوردی داشته باشد.

ما بایستی در مسیری که شهید دکتر شقافی بر ایمان ترسیم نموده قدم نهمیم. مسیری که خالص و ناب لوجه الله بود. به این وسیله ما قادر خواهیم بود به اهداف خود برسیم. مسأله دیگر آن است که هر که بخواهد جهاد کند بایستی بر نیروی بازوی خود تکیه زند زیرا تکیه به جز بر دوستان مشکل است. در کنار منطق جهادی، منطق دیگری هم اکنون در فلسطین در جریان است. تعدادی از این احزاب شیوه سازش را در پیش گرفته اند و سعی می کنند تا دست دوستی به سوی دشمنان دراز می کنند. این مسأله موجب تضعیف ملت فلسطین شده در نتیجه بایستی در وهله اول برخورد و ثانیاً بر دوستان خود و همگی ما بر خداوند تبارک و تعالی تکیه کنیم و بدینوسیله می توانیم اهدافمان را تحقق بخشیم. ان شاء الله... ■

سیاسی، فلسطین در اندیشه فتحی شقافی از چه جایگاهی برخوردار است؟

فلسطین همه فکر و اندیشه دکتر شقافی رحمه الله علیه را اشغال کرده بود. زیرا هدف از تشکیل جنبش جهاد اسلامی همانا آزادی فلسطین بود. این جنبش جهادی راه و روش زندگانی وی بود و مانند جنبش اخوان المسلمین نبود زیرا اخوان المسلمین ادبیات و تفکر خاص خود را در رابطه با جوانب مختلف زندگی دارد، در حالی که فتحی شقافی نه تنها درباره افکار اخوان المسلمین مطالعه داشت بلکه با آراء و نظریات حسن البنا و سید قطب به خوبی آشنا بود و این دو تحسین وی را بر می انگیزتند. اما اعجاب وی نسبت به افکار آن دو صرفاً در مسأله تنظیم و ترتیب امورات زندگی بود. اما در زمینه تشکیل جنبش جهاد اسلامی تکیه ای بر اندیشه های آنان نداشت. به همین دلیل او به سوی مبارزه و جهاد گام برداشت زیرا عقیده داشت که مسائل شرعی و روابط اجتماعی مردم و ارتباطشان با یکدیگر و غیره از سوی اخوان المسلمین به طور کافی و وافق بیان شده و تا حد زیادی این مسائل حل شده و جا افتاده است. اما مسأله جهاد همچنان مسأله ای لاینحل باقی مانده بود و از آن جایی که مشکل فلسطین همچنان ذهن و فکر وی را مشغول می داشت به همین دلیل مایل بود که در چارچوب شریعت اسلامی راهی برای مبارزه و جهاد برای آزادی فلسطین بلکه همه سرزمین فلسطین بیابد که تا ابد از شر اشغالگران رهایی یابد و وی هرگز به راه های مسالمت جویانه و تسلیم شدن و گفتگو با اشغالگران تن نداد بلکه فکر می کرد بایستی با اتحاد و تشکیل نیرویی اسلامی و قوی سرزمین های اشغالی را آزاد نمود. استاد، ترور اسحاق رابین را آن هم تنها یک هفته پس از شهادت دکتر فتحی شقافی، چگونه می بینید؟

من معتقد نیستم که رابطه ای وجود دارد، بدین معنی که برخی از یهودیان متعصب هیچ گونه سازش و تفاهمی را با فلسطینیان نمی پذیرند و قاتل شقافی هم اطلاعات و امنیت اسرائیل بوده که بایستی از جان رابین نیز محافظ می نمود و بنظر من این مسأله تنها یک اتفاق و تصادف بوده است. البته اسرائیل مایل است به هر ترتیب از دست رهبران فلسطینی که روش مبارزه و جهاد را در پیش گرفته اند، خلاص شود. یهودیان متعصب و اصول گرانیز که هیچ نوع سازش و صلحی را با غیر یهود که از منظر آنان نجس و پست هستند، نمی پذیرند و آن را بر طبق تعالیم الهی خود گناه پنداشته و معتقدند باعث خشم خدا بر آنان می گردد و لذا بایستی افرادی را که راه سازش با فلسطینیان را در پیش گرفته اند، از بین برد تا ملت یهود دچار معصیت و عذاب و بلا نگردد. از این رو من رابطه ای بین این دو حادثه نمی بینم. آیا شهادت دکتر شقافی بر استمرار حرکت جهاد اسلامی و مسیر در پیش گرفته مؤثر بوده است؟

همان گونه که می دانید جنبش های اسلامی چندان با شهادت یا نبود رهبران نشان تحت تاثیر قرار نمی گیرند زیرا آنها بر اساس تعالیم و فقه اسلامی حرکت می کنند که این ها هر دو موجود و در دسترس می باشند. در نتیجه اگر رهبر از بین برود، اندیشه از بین نمی رود. البته مسائل و امور در همه حال تاثیر پذیرند. بدین معنی که شخص رهبر تاثیرات خود را بر حکومت و یا سازمان و حزب بر جای می گذارد اما فرق دارد که ممکن است حزبی در اثر فقدان رهبر از بین برود اما برخی از احزاب در صورت فقدان رهبر از میان نمی روند و جنبش جهاد اسلامی علی رغم آن که مقداری در اثر شهادت رهبرش تحت تاثیر قرار گرفت و اختلافاتی میان رهبران آن ایجاد شد. اما این مشکلات برطرف شد و این جنبش همچنان پابرجاست.

به نظر شما مهم ترین دستاورد زندگی دکتر فتحی شقافی چیست؟

مهم ترین کاری که او انجام داد آن بود که اندیشه جهادی اسلام را به مرحله عمل رساند. این مهمترین پیامی بود که به مسلمانان رسانده شد زیرا اسلام ما بدون جهاد اسلام واقعی نیست نه تنها در عرصه فلسطین بلکه در دیگر نواحی نیز همین گونه می باشد. مسائل و مشکلات اسلام فراوان است و دشمنانی هم که در حال مکیدن خون و در بدن گوشت و پوست مسلمانان هستند، بسیار زیادند. در نتیجه بایستی جهاد نمود. دکتر شقافی این اندیشه را به حرکت و عمل در آورد و جنبش های دیگر به ویژه جنبش اخوان المسلمین را تشویق به در پیش گرفتن شیوه جهاد در فلسطین نمود.

استاد عبدالستار امروزه ما چگونه می توانیم از اندیشه ها و تزیهای دکتر فتحی شقافی بهره جوییم و آیا پس از ۱۲ سال اندیشه های ایشان همچنان زنده است؟

بله به عقیده من صحیح است اندیشه ها و تزیهای همچنان زنده و پویا است و همگان امکان استفاده از آن را دارند و حتی خود جنبش جهاد اسلامی می تواند از آن بهره جوید زیرا ایشان بر سری بودن فعالیت ها تاکید می کرد زیرا به دلیل نیرومند بودن دشمن معتقد بود موفق ترین راه جهادی سری عمل کردن است. نه به صورت علنی. هم اکنون

شریعتی شقافی



مهم ترین کاری که او انجام داد آن بود که اندیشه جهادی اسلام را به مرحله عمل رساند. این مهمترین پیامی بود که به مسلمانان رسانده شد زیرا اسلام ما بدون جهاد اسلامی واقعی نیست نه تنها در عرصه فلسطین بلکه در دیگر نواحی نیز همین گونه می باشد.

